کارکردهای دین در حوزه اخلاق

رشد و پیشرفت اخلاقی انسان از اهداف اصلی ادیان الهی، به‌ویژه اسلام، است. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هدف اصلی رسالت خود را تکمیل فضائل اخلاقی معرفی کرده است[۱] و قرآن‌کریم بر پالایش درون و تزکیه نفس تأکید فراوان دارد و حتی گاه آن را مقدم بر تعلیم می‌داند.[۲] از این نظر، تبیین نقش و کارکردهای دین وحیانی در رشد و تکامل اخلاقی مفید و ضروری است.[۳] لذا در ادامه به برخی کارکردهای دین برای رشد و تعالی اخلاق اشاره می‌شود.

تصحیح انگیزه و نیت

نیت، باطن و حقیقت عمل است[۴] و به عمل، ارزش اخلاقی می‌دهد.[۵] از این نظر، صِرف خوب بودنِ ظاهر عمل کافی نیست؛ انگیزه فاعل نیز باید درست باشد تا عمل ارزشمند شود. این انگیزه باید معطوف به کسب رضایت خدا باشد؛[۶] چراکه راه کسب رضایت او، همان راه سعادت و خوشبختی است. انگیزه‌های دیگر مانند پیروی از هوس‌ها یا دنیاطلبی،[۷] هیچ سودی برای زندگی ابدی انسان ندارند.

وحی، انسان را به گزینش لذت‌های برتر و پایدارتر فرامی‌خواند. لذت‌های مادی، زودگذر و اغلب همراه با رنجند، اما لذت‌های معنوی و خوشی‌های اخروی، پایدار و ابدی هستند. بنابراین، بسنده کردن به لذت‌های دنیوی، مایه خسران و حسرت است..

شناساندنِ موانع تکامل اخلاقی

دین وحیانی موانع تکامل اخلاقی را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند:

- موانع شناختی که باعث ضعف یا انحراف فکری می‌شوند؛ مانند اعتنای بیش از حد به محسوسات،[۸] تقلید نکوهیده و بدون پشتوانه عقلی[۹] و پیروی از ظن و وهم.[۱۰]

- موانع گرایشی و تمایلات نادرست که بُعد حیوانی را تقویت و بُعد انسانی را تضعیف می‌کند؛ مانند استکبار و خودپسندی،[۱۱] دنیاگرایی و ثروت‌گرایی،[۱۲] دستیابی به مقام و موقعیت اجتماعی.[۱۳]

شناخت موانع و کنار نهادن آنها، نقش بسزایی در رشد اخلاقی انسان دارد. از این نظر نیز دین بر رشد اخلاقی مؤثر است.

تأثیر عمل اختیاری انسان

قرآن و روایات، رابطه‌ای تکوینی بین اعمال اختیاری انسان و سعادت یا شقاوت او را بیان می‌کنند. از این نظر، سعادت و شقاوت، نتیجه مستقیم خودِ عمل است، نه پاداش یا مجازات جداگانه الهی.[۱۴] توجه به این حقیقت نیز در اخلاقی زیستن مؤثر است.

گزینش لذت بهتر و پایدارتر

وحی، انسان را به گزینش لذت‌های برتر و پایدارتر فرامی‌خواند. لذت‌های مادی، زودگذر و اغلب همراه با رنجند، اما لذت‌های معنوی و خوشی‌های اخروی، پایدار و ابدی هستند.[۱۵] بنابراین، بسنده کردن به لذت‌های دنیوی، مایه خسران و حسرت است.[۱۶]

حس مهربانی و مسئولیت‌پذیری

دین، خدا را با صفاتی مانند مهربانی و عدالت معرفی می‌کند و انسان را به الگوبرداری از این صفات تشویق می‌نماید که نتیجه آن، مهرورزی بیشتر و عادلانه زیستن است. همچنین، اعتقاد به نظارت همیشگی خدا، حس مسئولیت درونی را تقویت می‌کند که نتیجه آن، پایبندی بیشتر به اصول اخلاقی به خاطر کسب رضایت خدا است.

دین و اخلاق اگرچه از جهاتی از هم متمایزند، اما دین از طریق ترسیم اصول عقیدتی مثل اعتقاد به خدا و جهان پس از مرگ، اهمیت نیت و انگیزه در رفتارهای اخلاقی، الگوسازی و... نقش بسزایی در رشد اخلاقی انسان در دو ساحت فردی و جمعی دارد.

نظام کیفر و پاداش اخروی

اعتقاد به زندگی پس از مرگ، ضمانت اجرائی اخلاق است. باور به تأثیر مستقیم اعمال انسان در سرنوشت اخروی، انگیزه‌ای نیرومند برای رفتار اخلاقی ایجاد می‌کند. پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران در جهان آخرت، همواره در تعالیم وحیانی تأکید شده است.[۱۷]

الگوسازی برای اخلاقی زیستن

برای اخلاقی شدن انسان و جامعه، شناخت خوبی‌ها و بدی‌ها کافی نیست؛ بلکه به الگوهای عملی نیز نیاز است. وجود این الگوها، مانند پیامبران و اولیای الهی در قرآن، انگیزه زیستن اخلاقی را تقویت کرده و توهم «دستیابی به فضایل، غیرممکن است» را از بین می‌برد. این الگوها به انسان در تحمل سختی‌های مسیر صحیح یاری می‌رسانند.[۱۸]

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گذشت روشن می‌شود که دین و اخلاق اگرچه از جهاتی از هم متمایزند، اما دین از طریق ترسیم اصول عقیدتی مثل اعتقاد به خدا و جهان پس از مرگ، اهمیت نیت و انگیزه در رفتارهای اخلاقی، الگوسازی و... نقش بسزایی در رشد اخلاقی انسان در دو ساحت فردی و جمعی دارد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶، ص ۲۱۰. ۲- آل‌عمران، آیه ۱۶۴. ۳- نجارزادگان، فتح‌الله، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۰. ۴- طوسی، محمدحسن، تهذیب الاحکام، تحقیق حسن موسوی خرسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۱۸۶. ۵- بقره، آیه ۲۸۴. ۶- همان، آیه ۲۷۲. ۷- قصص، آیه ۸۳. ۸- فرقان، آیه ۲۱. ۹- بقره، آیه ۱۷۰. ۱۰- یونس، آیه ۳۶. ۱۱- قصص، آیه ۸۳. ۱۲- یونس، آیه ۷. ۱۳- منافقون، آیه ۸. ۱۴- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق، ج ۶، ص ۳۷۶-۳۷۷. ۱۵- اعلی، آیه ۱۷. ۱۶- یونس، آیات ۷-۹. ۱۷- زلزال، آیات ۷-۸. ۱۸- احزاب، آیه ۲۱.

حسین زارعی

در محضر امام خمینی (ره)

روش امام خمینی در مصرف آب

کمترین استفاده از آب در وضو

دکتر بروجردی (داماد امام راحل) می‌گوید: یک روز شیشه کوچک قرصی در دست پسرم دیدم که مایعی داخل آن بود. پرسیدم این چیست؟

گفت: دوستان مدرسه‌ام از من خواسته بودند، مقداری از آب وضوی امام را به عنوان تبرک برای آنها ببرم، من هم هنگام وضو طشتی بردم و زیر دست پدربزرگ گذاشتم، اما آبی که از وضوی ایشان توی ظرف ریخت، آن‌قدر کم بود که ناچار شدم سرنگ بیاورم و با آن، این شیشه را پر کنم که تازه پر هم نشد. به امام گفتم: آقا! آب وضوی شما همین‌قدر است؟ لبخند زدند و گفتند: که این باقی‌مانده آب واجبات وضوی من است. (در وضو یک‌بار ریختن آب واجب و بار دوم مستحب است و امام فقط به همان یک‌بار واجب اکتفا کرده بود) [۱]

۱. مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۲۲، خرداد ۱۳۷۹ به نقل از کتاب «آموزش مصور احکام» طبق فتاوای رهبر انقلاب از انتشارات فقه روز وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی

عزاداری ائمه (ع) برای امام حسین (ع)

حادثه غمبار و جانسوز کربلای ۶۱ ق آنچنان قلب‌های شیعیان و محبان اهل بیت(ع) را به درد آورد که نه‌تنها در ادامه شاهد قیام‌های متعدد بر ضد امویان و نیز عباسیان هستیم، بلکه به لحاظ اجتماعی تأثیر عمیقی بر جامعه شیعه نهاد به‌گونه‌ای که شیعیان با محوریت ائمه(ع) در موقعیت‌های مختلف و به طُرُق گوناگون یاد و خاطره این روز عظیم را گرامی می‌داشتند که به برخی از آنها در عصر امامان اشاره می‌کنیم:

۱. آغاز عزاداری در کربلا و کوفه (سال ۶۱ ق)

در مقاتل مختلف آمده است بعد از آنکه امام حسین(ع) به شهادت رسید، اسب وی شیهه‌کنان به سمت خیمه‌ها آمد؛ زنان و دختران با شنیدن صدای شیهه اسب، از خیمه‌ها بیرون دویدند و وقتی مشاهده کردند که اسب حضرت خون‌آلود و بدون سوار آمده، صدایشان به ناله وگریه و نوحه بلند شد و در برخی منابع، حضرت زینب و ام‌کلثوم(س) شروع به نوحه‌سرایی کردند.[۱] پس از آن نیز وقتی اسرا را به اصرار خودشان از درون قتلگاه عبور دادند،[۲] حضرت زینب(س) ناله‌کنان و با صدایی غم‌انگیز و پر درد، نوحه‌سرایی کرد.[۳] به گفته راوی، گریه زینب هر دوست و دشمنی را به گریه انداخت.[۴]

پس از آن نیز وقتی اسراء را وارد کوفه کردند، حضرت زینب و امام سجاد(ع) با گریه و روشنگری خود، چنان جوی به راه انداختند که مردم کوفه منقلب شده و بی‌اختیار گریستند. در این لحظه، امام سجاد فرمودند: «اینان بر ما می‌گریند؟ پس چه کسی ما را کشته است؟!».[۵]

۲. عزاداری در شام (سال ۶۱ ق)

از جمله جاهایی که در همان اوایل، بعد از شهادت امام حسین(ع) برای ایشان عزاداری شد، شام بود. بعد از ورود کاروان اسراء به شام، اوضاع به‌گونه‌ای به نفع اهل بیت(ع) پیش رفت که یزید مجبور شد تا اجازه عزاداری را به ایشان بدهد.[۶]

۳. عزاداری در بدو ورود کاروان اسراء به مدینه (سال ۶۱ ق)

به هنگام بازگشت کاروان اسراء، حضرت سجاد(ع) در آستانه شهر مدینه شخصی به نام بَشیر بن حَذلَم را به حضور طلبید و از وی خواست تا جلوتر وارد شهر مدینه شود و با سرودن شعری، اهل مدینه را آگاه کند. او نیز همین کار را کرد و سپس مردم را از ورود اهل‌بیت با خبر ساخت. پس از اجتماع عظیم مردم مدینه، امام سجاد(ع) با سخنرانی خود، مردم را از وقایع کربلا و اتفاقات بعد از آن آگاه کرد و با مشاهده خانه‌های خالی و بی‌صاحب شهدای کربلا، بی‌اختیار اشک از دیدگانش سرازیر شد.[۷]

۴. عزاداری بعد از سال ۶۱ ق (در زمان امام سجاد(ع))

بعد از واقعه عاشورای ۶۱ ق، امام سجاد(ع) به مناسبت‌های مختلف، در سوگ امام حسین(ع) و شهدای کربلا اشک می‌ریختند. در روایتی از امام صادق(ع) نقل است که ایشان فرمود: «زین‌العابدین(ع) چهل سال بر شهادت مظلومانه پدر گریست در حالی که روزها روزه بود و شب‌ها را به عبادت می‌پرداخت. هنگام تناول افطار می‌فرمود: فرزند رسول خدا در حال گرسنگی و با لب‌های تشنه به شهادت رسید. امام آن‌قدر این جملات را تکرار می کرد تا آب و غذایش با اشک چشمانش آمیخته می‌شد.»[۸]

حضرت بدان اندازه می‌گریست که اطرافیان بر سلامت چشمان وی بیمناک شدند و گفتند: «گریه زیاد، به بینایی چشم شما زیان می‌رساند.» امام در پاسخ کسانی که ایشان را به دلیل احتمال آسیب به چشمانشان از گریه و زاری منع می‌کردند، می‌فرمود: «چطور ممکن است ازگریه خودداری کنم؟ با اینکه پدرم را از نوشیدن آب محروم کردند؛ آبی که تمام موجودات حتی درندگان و حیوانات وحشی حق داشتند از آن استفاده کنند...»[۹]

در روایتی دیگر، به امام سجاد(ع) عرض شد: آیا وقت آن نرسیده است که پس از گذشت سالیان متوالی از واقعه کربلا، دست از غم و اندوه بردارید؟! امام در پاسخ فرمود: «به خدا سوگند! شکایت‌ها وگریه‌های یعقوب به درگاه خدا در مقایسه با آنچه من برای آن می‌گریم، کوچک است. یعقوب تأسفش بر از دست دادن یوسف بود، او یک فرزند را از دست داده بود. در حالی که من خود شاهد بودم که پدرم و گروهی از خاندانم در نزدیکی من همچون پرندگان سرهایشان بریده شد...»[۱۰]

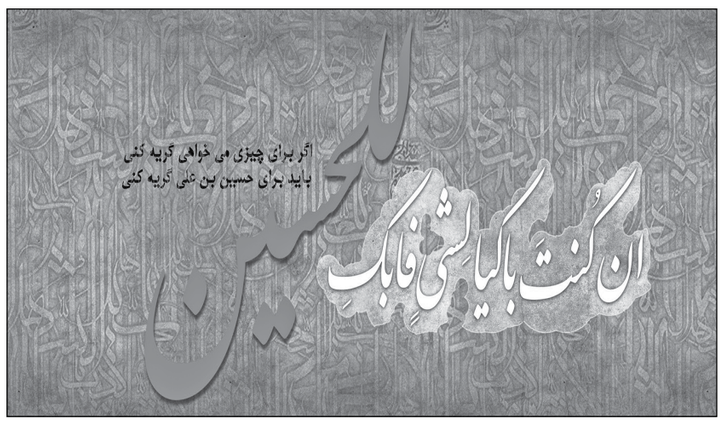

عزاداری و نوحه‌سرایی بر مصائب اهل‌بیت در عاشورای ۶۱ ق در کربلا از همان روز عاشورا توسط زنان و بانوان حرم آغاز شد. در ادامه، در کوفه و شام و نیز در بازگشت به مدینه در داخل این شهر، سخنان امام سجاد(ع) و حضرت زینب و ام‌کلثوم سکینه چنان جوّی ایجاد کرد که بسیاری از حاضران در این شهرها گریه و ناله سر دادند.

۵. عزاداری در عصر امام باقر و امام صادق(ع)

به نظر می‌رسد تا زمان صادقین(ع)، عزاداری برای شهدای کربلا بیشتر در قالب شعر بوده و نه به صورت برپایی مراسم؛ اما بتدریج بعد از امام سجاد(ع)، به دلیل ضعف دولت اموی و قیام عباسیان، عزاداری سید الشهدا جنبه رسمی پیدا کرد و به صورت جمعی و با حفظ قالب شعری خود، توسعه یافت. برای نمونه، وقتی کُمیت اسدی، شاعر بزرگ شیعی، به مدینه آمد، خدمت امام باقر(ع) رسید و در رثای امام حسین(ع) اشعاری سرود. سپس امام باقر و فرزندش امام صادق گریستند.[۱۱] امام صادق(ع) نیز مردم را به عزاداری و گریه برای سیدالشهداء ترغیب و تشویق می‌کرد. بنابر نقل منابع، شعرا و مرثیه‌سرایانی مانند ابوهارون مکفوف[۱۲] ابوعُماره،[۱۳] سیّد حِمیَری[۱۴] در محضر و خانه امام صادق(ع) مرثیه‌سرایی می‌کردند. البته در مواردی نیز ایشان تقیه می‌کردند. برای مثال، یک‌بار که امام صادق علیه‌السلام در منزل خویش مراسم عزاداری برپا کرده بودند، صدای شیون زنان بلند شد. همین امر سبب جلب توجه مردم و تجمع آنان جلو درب خانه ایشان شد. حضرت به‌گونه‌ای قضیه را جمع کرد و خطر را دفع نمود.[۱۵]

۶. عزاداری در عصر امام کاظم(ع)

امام رضا(ع) درباره سنت و رفتار پدر گرامی‌اش امام کاظم(ع) در ایام محرم می‌فرماید: «... وقتی ماه محرم فرا می‌رسید، دیگر کسی پدرم را شاد نمی‌دید. پیوسته غمگین بود تا اینکه ده روز می‌گذشت و روز دهم محرم می‌رسید. این روز، روز مصیبت و غم و اندوه او بود و می‌فرمود: این روز، روزی است که حسین(ع) در آن شهید شد.»[۱۶]

۷. عزاداری در عصر امام رضا(ع)

به دلیل شرایط ویژه‌ای که در زمان امام رضا(ع) برای ایشان فراهم شد، عزاداری و نوحه‌سرایی برای شهدای کربلا با شکوه‌تر و آزادانه‌تر برگزار می‌شد. امام رضا(ع) در ایام محرم، در منزل خود مراسمی با حضور خاندان خویش و اصحاب برپا می‌کرد. پرده‌ای میان مردان و اهل حرم می‌زدند و امام به دِعبِل خُزاعی می‌فرمود: «...این روزها، ایام حزن و اندوه ما اهل‌بیت است. بر حسین(ع) مرثیه بخوان. تا زمانی که زنده‌ای، یاور و مدح‌کننده مایی...». دِعبِل نیز اشعاری در رثای امام حسین(ع) می‌سرود و حاضران در جلسه می‌گریستند.[۱۷] چنین جوی، بعد از امام رضا(ع) شکسته شد و با سختگیری و ممانعت شدید دستگاه عباسی مواجه شد به‌گونه‌ای که شیعیان و اهل‌بیت کمتر موفق به برگزاری چنین مجالسی می‌شدند.

نتیجه

در مجموع، عزاداری و نوحه‌سرایی بر مصائب اهل‌بیت در عاشورای ۶۱ ق در کربلا، از همان روز عاشورا توسط زنان و بانوان حرم آغاز شد. در ادامه، در کوفه و شام و نیز در بازگشت به مدینه در داخل این شهر، سخنان امام سجاد(ع) و حضرت زینب و ام‌کلثوم سکینه چنان جوّی ایجاد کرد که بسیاری از حاضران در این شهرها گریه و ناله سر دادند. پس از آن نیز، امام سجاد(ع) به بهانه‌های مختلف به یاد مصائب پدر بزرگوارشان حسین بن علی(ع) افتاده و می‌گریستند و دیگران را به گریه می‌انداختند. از زمان امام باقر تا امام رضا(ع) به دلیل مساعد بودن شرایط، آن حضرت شخصا مجالس و مراسم یادبود در ایام محرم به ویژه عاشورا در منزل خویش با حضور دوستداران اهل‌بیت برپا می‌کردند و شاعران آیینی در قالب شعر، به مرثیه‌سرایی و نوحه‌خوانی می‌پرداختند و اصحاب خویش را به برگزاری این مراسم در منزل خود سفارش می‌کردند.

برای مطالعه بیشتر

- جلد دوم کتاب «تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء علیه‌السلام»، نوشته جمعی از تاریخ‌پژوهان زیر نظر مرحوم مهدی پیشوایی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، نجف، الزهرا، ۱۳۶۷ ق، ج ۲، ص ۳۷؛ ابن اعثم کوفی، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، صص۱۱۹- ۱۲۰.

۲. ابن‌طاووس، سید رضی‌الدین ابوالقاسم، اللهوف، تحقیق لشیخ فارس تبریزیان، بی‌جا، نشر دارالأسوه للطباعه و النشر، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۸۰.

۳. همان، ص ۱۸۱؛ ر.ک. به: ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی‌طالب، تحقیق یوسف البقاعی، بی‌جا، انتشارات ذوی القربی، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۱۲۲.

۴. ابن طاووس، سید رضی‌الدین ابوالقاسم، اللهوف، تحقیق لشیخ فارس تبریزیان، بی‌جا، نشر دار الأسوه للطباعه و النشر، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۸۱.

۵. شیخ مفید، ابوعبدالله محمد بن محمد تلعکبری، الامالی، تحقیق حسین استاد ولی و علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۲۱؛ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، بی‌تا ج ۲، ص ۲۴۵؛ برای اطلاع بیشتر از خطبه‌ها و سخنان اهل‌بیت در کوفه، نک. به: کتاب «تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء»، ج ۲، صص ۳۹-۷۰.

۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی، بی‌تا، ج۵، ص ۴۶۲.

۷. ابن طاووس، سید رضی‌الدین ابوالقاسم، اللهوف فی قتلی الطفوف، تحقیق لشیخ فارس تبریزیان، بی‌جا، نشر دارالأسوه للطباعه و النشر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، صص ۲۲۶ ـ ۲۳۰.

۸. همان، ص ۲۰۹. (ممکن است این سؤال پیش بیاید که امام سجاد از سال ۶۱ تا ۹۴ یا ۹۵ که سال شهادت ایشان است، جمعاً در حدود ۳۵ سال در قید حیات بودند، پس چگونه این روایت سخن از ۴۰ سال دارد؟ در پاسخ باید این چنین گفت که به نظر می‌رسد عدد ۴۰ عددی تقریبی و برای تقریب و یا گرد کردن طول مدت زمان گریه است و نه مدت دقیق آن. همچنین با توجه به متن روایت، امکان دارد که این تردید از جانب خود راوی رخ داده باشد نه شخص امام، چرا که قطعاً امام صادق(ع) نسبت به طول عمر دقیق امام سجاد(ع)آگاه بودند.)

۹ و ۱۰. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، تحقیق لجنه من أساتذه النجف الأشرف، نجف اشرف، مطبعه الحیدریه، ج ۳، ص ۳۰۳.

۱۱. خزاز قمی، ابوالقاسم علی بن محمد، کفایه الاثر، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق، ص ۲۴۹.

۱۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ترجمه و تحقیق محمدجواد ذهنی تهرانی، تهران، انتشارات پیام حق، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش، ص ۳۳۸.

۱۳. همان، ص ۳۴۰.

۱۴. اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۴۸.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضه من الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ق، صص ۲۱۵-۲۱۶، ح ۲۶۳.

۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح و تعلیق میرزا عبدالرحیم ربانی، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۱ ق، ج ۱۰، ص ۳۹۴.

۱۷. اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۲۰، ج ۲۰، ص ۱۴۸؛ خوارزمی، ابوالمؤید موفق بن احمد، مقتل الحسین، تحقیق محمد سماوی، نجف، الزهرا، ۱۳۶۷ ق، ج ۲، صص ۱۲۹-۱۳۱.

*** علی‌محمد تاج‌الدین**

شبهه ها و پاسخ ها

قیام سیدالشهداء (ع) در برابر یزید یک ضرورت در همه شرایط

شبهه: اگر یزید از امام حسین(ع) بیعت نمی‌خواست و درصدد مجبور کردن حضرت برای بیعت نبود، آیا آن حضرت قیام نمی‌کرد و مانند دوران معاویه برخورد می‌کرد؟

پاسخ: قیام امام حسین(ع) به عنوان یک حرکت سرنوشت‌ساز دارای ابعاد مختلف و مهمی است و نیاز است متناسب با نیاز روز و پرسش‌های جدید مورد توجه قرار گیرد. هنگامی که یزید به خلافت رسید، برخلاف سفارش پدرش زود نامه‌ای به حاکم مدینه نوشت و از او خواست از سه شخصیت مطرح مدینه ازجمله حسین‌بن‌علی(ع) بیعت بگیرد و اگر امتناع کردند، سر آنها را جدا کند. امام حسین(ع) که به دلایل مختلفی حاضر به بیعت با یزید نبود، از مدینه به مکه رفت و این سرآغاز قیام سیدالشهداء شد.

در پاسخ به این سؤال که اگر از امام حسین(ع) بیعت نمی‌خواستند، آن حضرت چه می‌کرد؟ آیا باز قیام می‌کرد؟ ابتدا باید ببینیم دلیل و هدف امام حسین از قیام چه بوده است و آیا ارتباطی با جبر به بیعت دارد؟ امام حسین(ع) در مواضع مختلف دلیل و هدف خویش از قیام و نهضت را بیان کرده است، ازجمله:

۱. امر به معروف و نهی از منکر

آن حضرت فرمود: «...قیام کردم چون می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.» چون منکر بزرگی در جامعه اتفاق افتاده است که به اساس اسلام ضربه می‌زند.[۱] رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: امام حسین(ع) باید قیام کند زیرا انحراف پیدا شده است، برای اینکه بعد از معاویه کسی به حکومت رسیده است که حتی ظواهر اسلام را هم رعایت نمی‌کند... امام حسین قیام کرد تا آن واجب بزرگی که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه اسلامی یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه اسلامی است، انجام دهد.[۲]

۲. اصلاح در امت و دین

امام حسین(ع) فرمود: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی» قیام کردم برای طلب اصلاح در امت جدم محمد(صلی الله علیه و آله)[۳] رهبر معظم انقلاب این جمله سیدالشهداء را این چنین تفسیر کردند: «عنوان این کار همین اصلاح است، می‌خواهم اصلاح کنم، این همان واجبی است که قبل از امام حسین(ع) انجام نگرفته بود. این اصلاحٍ از طریق خروج است، خروج یعنی قیام... یعنی اولاً می‌خواهیم قیام کنیم و این قیام ما هم برای اصلاح است.»[۴]

مطالبی که امام حسین(ع) فرمودند مترتب بر جبر ایشان به بیعت نیست، بلکه حتی برفرض وادار نساختن امام به بیعت نیز موضع‌گیری لازم به نظر می‌رسد.

امام(ع) چندین‌بار برای توجیه قیامش، به سخنی از رسول خدا(ص) استناد کرد که نشانگر اراده ایشان برای ایستادن در مقابل ظلم و قیام علیه طاغوت است؛ مانند این سخن: «می‌دانید که پیامبر فرمود: هرکس پادشاه ستمگری را بنگرد که حرام خدا را حلال کرده، دین خدا را فروافکنده، با سنّت پیامبر مخالفت کرده و با گناهکاری و ستم حکم می‌راند، آنگاه با زبان و عمل بر او نشورد، سزاوار است که خداوند او را نیز به سرانجام آن فرمانروای ستمکار دچار سازد.»[۵]

اینکه امام(ع) رفتن به سمت کوفه را انتخاب کردند که مردمش به حضرت نامه نوشته بودند و ایشان را به قیام علیه یزید دعوت کرده بودند، شاهدی بر این است که حضرت قصد موضع‌گیری علیه حکومت یزید را داشت. با توجه به ویژگی‌هایی که حکومت یزید داشت، امام حسین(ع) یا هر معصوم دیگری که در شرایط امام حسین(ع) بود، نمی‌توانست ساکت بنشیند و بی‌تفاوت باشد. یزید مردی فاسق بود که ابایی از فسق علنی نداشت و شعائر و مقدسات اسلام را حرمت نمی‌نهاد.

چنان‌که امام حسین(ع) در مواجهه با مروان که ایشان را دعوت به بیعت با یزید کرد، فرمود: «ما اهل‌بیت نبوت هستیم و یزید مردی است فاسق، شارب‌الخمر، آدم‌کش و فسق علنی دارد، مانند من با مانند او بیعت نخواهد کرد.[۶]

امام حسین شرایط اسلامِ را تحت لوای یزید این چنین توصیف می‌کند: «إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ وَ عَلَی الْإِسْلَامِ السَّلَام» یعنی باید با اسلام خداحافظی کرد، باید اسلام را پایان یافته دانست زمانی که به حاکمی مانند یزید دچار شود.[۷]

با توجه به این سخنان و این شرایط آیا با این فرض که اگر حکومت به دنبال بیعت گرفتن از امام حسین(ع) و جبر ایشان نبود، حضرت در مقابل این منکر بزرگ و ظلم حکومت بی‌تفاوت و ساکت می‌نشست؟ قطعاً پاسخ منفی است.

توجه به این نکته لازم است که اساس حکومت یزید علاوه‌بر اینکه مشروع نبود، خلاف قانون نیز بود زیرا براساس مفاد صلح‌نامه امام حسن(ع) و معاویه، معاویه برای پس از خود حق تعیین جانشین نداشت و پس از مرگ او زمام امور باید در دست امام حسن(ع) می‌بود.[۸] لذا حکومت یزید نه شرعاً و نه قانوناً مشروعیت نداشت و شخصیت یزید هم فاقد شایستگی خلافت بود و وجود او در رأس حکومت اسلامی خطر بزرگی برای اسلام محسوب می‌شد که می‌بایست در مقابل او و این انحراف، شخصیتی مانند حسین‌بن‌علی(ع) بایستد.

رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند:... امام حسین قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت از تجدید بنای نظام و جامعه اسلامی، یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه اسلامی است، انجام دهد.[۹]

نتیجه:

با توجه به شواهد و قرائن مختلف و سخنان امام حسین(ع) این نتیجه به دست می‌آید که حتی در صورتی که حکومت یزید درصدد گرفتن بیعت اجباری از امام حسین(ع) نبود، با توجه به شخصیت یزید و شرایط حکومت او که برخلاف دوران معاویه حتی ظواهر اسلام نیز مراعات نمی‌شد و حیات اسلام با خطر جدی مواجه بود، حسین‌بن‌علی(ع) در قبال آن عکس‌العمل نشان می‌داد، علیه ظلم و فساد قیام می‌کرد و درصدد امر به معروف و نهی از منکر برمی‌آمد و این موضع، ظرفیت تقابل فیزیکی و قیام را دربرداشت.

جهت مطالعه بیشتر:

- حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری.
- بررسی تاریخ عاشورا، محمدابراهیم آیتی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن شهرآشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۸۹.

۲. آیت‌الله خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، بیانات معظم‌له درباره زندگانی سیاسی-مبارزاتی ائمه معصومین(ع)، گردآوری و تنظیم مرکز صهبا، تهران، مؤسسه ایمانی جهاد، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۵۳.

۳. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی طالب، همان.

۴. آیت‌الله خامنه‌ای، همان، ص ۱۵۴.

۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دارلاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۳۸۲.

۶ و۷. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف، تهران، نشر جهان، ۱۳۴۸ ش، ص ۲۴.

۸. ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، الامامه و السیاسه، تحقیق: شیری، علی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۸۴.

۹. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۹ خرداد ۱۳۷۴ ش.

سید آیت‌الله احمدی شیخ شبانی

با توجه به شواهد و قرائن مختلف و سخنان امام حسین(ع) این نتیجه به دست می‌آید که حتی در صورتی که حکومت یزید درصدد گرفتن بیعت اجباری از امام حسین(ع) نبود، با توجه به شخصیت یزید و شرایط حکومت او که برخلاف دوران معاویه حتی ظواهر اسلام نیز مراعات نمی‌شد و حیات اسلام با خطر جدی مواجه بود حسین‌بن‌علی(ع) در قبال آن عکس‌العمل نشان می‌داد، علیه ظلم و فساد قیام می‌کرد و درصدد امر به معروف و نهی از منکر برمی‌آمد و این موضع، ظرفیت تقابل فیزیکی و قیام را دربرداشت.

از زمان امام باقر تا امام رضا(ع) به دلیل مساعد بودن شرایط، آن حضرت شخصا مجالس و مراسم یادبود در ایام محرم به ویژه عاشورا در منازل خویش با حضور دوستداران اهل‌بیت برپا می‌کردند و شاعران آیینی در قالب شعر، به مرثیه‌سرایی و نوحه‌خوانی می‌پرداختند و اصحاب خویش را به برگزاری این مراسم در منازل خود سفارش می‌کردند.

چراغ راه

آفات دین

قال النبی(ص): «آفةُ الدین ثلاثه: فقیه فاجر، و امام جائر و مجتهد جاهل».

پیامبر اکرم(ص) فرمود: آفات دین سه چیز است: ۱- دانشمند بدکردار، فاسق و فاجر ۲- رهبر و پیشوای ستمکار ۳- انسان عابد و مقدس نادان.[۱]

۱- کنزالعمال، متقی هندی، ج ۲۸۹۵۴

حکایت خوبان

لزوم اتقان عمل

پیامبر اکرم(ص) وقتی سعد ابن معاذ را در قبر گذاشتند، با دقت و نظم خاصی روی آن سنگ گذاشتند و با خشت، درزهای قبر را پوشاندند. وقتی کار دفن تمام شد، قبر را هموار و مرتب کردند، و فرمودند: من می‌دانم که به زودی این قبر فرسوده و خراب می‌شود، اما خداوند بنده‌ای را دوست دارد که وقتی کاری انجام می‌دهد، آن را درست و محکم انجام دهد.[۱]

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۲، ص ۸۸۴

پرسش و پاسخ

موانع التزام عملی به ارزش‌های دینی(۱)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام چرا برخی از افراد علی‌رغم پذیرش ارزش‌ها و آرمان‌های الهی در عمل و ساحت رفتاری خود التزام چندانی به آن ارزش‌ها و آرمان‌ها ندارند و فقط در شعارها و زبانشان جاری است و در این رابطه چه موانعی وجود دارد که التزام عملی آنان با مشکل مواجه می‌شود؟

پاسخ:

شرایط تحقق عینی ارزش‌ها

تردیدی نیست که عمل به ارزش‌ها در مقیاس فردی و اجرایی شدن آنها در سطح جامعه به تمهید مقدمات، ایجاد زمینه‌های شناختی، احساسی و عاطفی و رفتاری، رفع موانع محتمل و تدبیر سازوکارهای تسهیلی و ترغیبی و مشوق‌های محیطی نیاز دارد. در بحث فلسفه گفته‌اند: برای تحقق هر پدیده‌ای در عالم هستی دو شرط اساسی لازم است:

۱- وجود مقتضی ۲- فقدان موانع، بنابراین برای اینکه دلایل عدم تحقق عینی ارزش‌ها را به دست بیاوریم، ضرورت دارد ابتدا موانع و عوامل بازدارنده موجود در این رابطه را بشناسیم و سپس با جهاد و تلاش و کوشش فراوان این موانع را از سر راه برداریم.

قرآن کریم به برخی از این عوامل و موانع که عمدتا فردی و درونی است و به تبع موقعیت افراد، در جامعه نیز جریان می‌یابد، توجه داده است. در اینجا به برخی از اهم این موانع از منظر آموزه‌های وحیانی قرآن خواهیم پرداخت.

موانع التزام عملی به ارزش‌ها

۱- جهل و نادانی

«آیا شما به جای زنان، از روی شهوت با مردها درمی‌آمیزید؟ نه! بلکه شما مردمی جهالت‌پیشه‌اید»؟ (نمل- ۵۵)

۲- عدم تعقل و تفکر